

قهرمانانی برای همیشه

مجموعه قصه فرماندهان تلاش دارد نام و یاد فرماندهان شهید را در ذهن و زبان نسل های جدید زنده نگه دارد

دفاع مقدس



طه حسین فراهانی
روزنامه نگار

ادبیات دفاع مقدس در ایران، بی‌وزنه طی سه دهه اخیر، بخش مهمی از حافظه تاریخی و فرهنگی جامعه را شکل داده است. در میان آثار متعدد این حوزه، مجموعه «قصه فرماندهان» انتشارات سوره مهر جایگاهی ویژه یافته است؛ مجموعه‌ای که نه تنها روایتگر زندگی و رشادت‌های فرماندهان بزرگ روزهای پیرالتباه جنگ تحمیلی است، بلکه با نگاهی تازه و زبانی ساده و روان، پلی میان نسل امروز و قهرمانان دیروز برقرار کرده است.

این مجموعه به‌طور خاص برای نوجوانان نوشته شده و هدف آن انتقال ارزش‌های ایثار، مقاومت و مسئولیت‌پذیری در قالب داستان‌هایی کوتاه و گیراست. نویسندگان هر جلد تلاش کرده‌اند تا از خلال روایت‌های مستند و خاطرات واقعی، چهره‌ای انسانی، ملموس و نزدیک از فرماندهان جنگ به تصویر بکشند؛ چهره‌هایی که در عین قهرمانی، از زندگی روزمره، دغدغه‌ها و احساسات انسانی خود نیز جدا نبوده‌اند.

تاکنون بیش از پنجاه جلد از مجموعه «قصه فرماندهان» منتشرشده و به دلیل استقبال گسترده مخاطبان، بارها به تجدید چاپ رسیده است. این مجموعه توانسته با زبانی داستانی اما مستند، تاریخ شفاهی دفاع مقدس را در قالبی جذاب برای نسل جوان بازگو کند؛ نسلی که شاید فاصله زمانی و مکانی زیادی با دوران جنگ داشته باشد، اما همچنان نیازمند الگوهای الهام‌بخش و ارزشمند برای شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی خود است.

انتشارات سوره مهر، به عنوان یکی از ناشران شاخص در حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس، با انتشار این مجموعه بار دیگر نشان داد که می‌توان مخاطبان نوجوان و جوان را نه با شعار و کلیشه، بلکه با روایت‌های صمیمی و صادقانه جذب کرد. از این‌رو «قصه فرماندهان» نه تنها یک مجموعه

ادبی، بلکه پروژه‌ای فرهنگی و تربیتی محسوب می‌شود که می‌کوشد نام و یاد فرماندهان شهید را در ذهن و زبان نسل‌های آینده زنده نگه دارد.

عارف لشکر انصارالحسین

در تاریخ دفاع مقدس، نام‌هایی درخشانند که شاید کمتر پیرزبان‌ها جاری شد، اما ردی عمیق بر جان رزمندگان و آیندگان گذاشتند. یکی از این چهره‌ها، حسن ثرک است؛ فرمانده ۲۳ ساله لشکر انصارالحسین که به «عارف لشکر» شهرت یافت. او نه تنها فرمانده‌ای نظامی که معلم علوم قرآنی بود و با تلفیق رزم و سلوک عرفانی، الگویی شد برای زندگی، جنگیدن و زیستن. شهیدانی بزرگ همچون حاج حسین همدانی، علی چیت‌سازیان، علی خوش‌لفظ و میرزااحمد سلگی، حسن ثرک را «آینه تمام‌نمای چهره» می‌دانستند. همین جایگاه بود که باعث شد حاج حسین همدانی در وصیت‌نامه‌اش بنویسد: «پس از شهادت، مراد کنار من باش». ثرک به خاک سپارید. حسن ثرک در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله فرماندهی گردان را بر عهده داشت و بعدها به عنوان فرمانده طرح عملیات در لشکر ۳۲ انصارالحسین فعالیت کرد. زندگی و یادداشت‌های روزانه او، تصویری زنده از تاریخ دفاع مقدس این دو لشکر را در برابر مخاطب می‌گذارد. اما آنچه او را متفاوت می‌کرد، نه فقط تاکتیک‌های نظامی که ریشه‌های عرفانی حماسه‌هایش بود؛ عرفانی که در خانقاه دواز باز معنا می‌یافت. عملیات‌های فتح‌المبین، والفجر مقدماتی، مسلم‌ابن عقیل و پدافندی سومار صحنه‌هایی بودند که حسن ثرک بارها در آنها مجروح شد. سرانجام در والفجر ۸، پس از چند شبانه‌روز نبرد بی‌امان، هدف تیر تک‌تیرانداز دشمن قرار گرفت و به آرزویش رسید. یادداشت‌های پایانی اش حکایت از رسیدن به یقین داشت؛ یقینی که شهادت را پایان راه نمی‌دانست، بلکه آغازی تازه تلقی می‌کرد. زندگی حسن ثرک، روایت سه دوست بود که قبول داد بودند هیچ‌گاه دوری یکدیگر را، تاب نیاورند و به دغدغه‌گاه شهادت با هم بروند: حسن ثرک، سیدجعفر حجازی و سعید تابلویی.



فانوسی که افسانه نبود
خاطرات سردار شهید حسن ثرک

● نویسنده: حمید حسام
● انتشارات: سوره مهر
● تعداد صفحه: ۵۲۴ صفحه
● قیمت: ۵۲۵,۰۰۰ تومان



فانوسی که افسانه نبود
خاطرات سردار شهید اکبر آقابایی

● نویسنده: الهام طاعوسی
● انتشارات: سوره مهر
● تعداد صفحه: ۱۰۰ صفحه
● قیمت: ۹۰,۰۰۰ تومان

شهید حسن ثرک
در بین هم‌زمانش



انتشارات سوره مهر، به عنوان یکی از ناشران شاخص در حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس، با انتشار مجموعه «قصه فرماندهان» نشان داد که می‌توان مخاطبان نوجوان و جوان را نه با شعار و کلیشه، بلکه با روایت‌های صمیمی و صادقانه جذب کرد. از این‌رو «قصه فرماندهان» نه تنها یک مجموعه ادبی، بلکه پروژه‌ای فرهنگی و تربیتی محسوب می‌شود

زندگی، بلکه چراغی است برای امروز. شهید حسن ثرک، با عمر کوتاه اما پرثمرش، نشان داد که عرفان و عمل می‌توانند دوشادوش هم قرار گیرند؛ همان‌گونه که جهاد در میدان جنگ و جهاد در میدان اخلاق دو چهره از یک حقیقت‌اند. این کتاب در حقیقت یادآور می‌شود که شهیدان، تنها بخشی از تاریخ نیستند؛ بلکه چراغ‌هایی برای مسیر فردای ما هستند.

حمید حسام، نویسنده کتاب، متولد ۱۳۴۰ در همدان است. او کارشناسی ارشد ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران گرفت و جوانی خود را در جبهه‌ها گذراند. همین تجربه زیسته باعث شد که دفاع مقدس به محور اصلی قلم او تبدیل شود. حسام که اکنون معاون ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس است، کارنامه‌ای پرپرا دارد؛ از مجموعه داستان کوتاه «دهلیز انتظار» تا کتاب‌های خاطره‌نگاری چون «غواص‌های بوی نعنا می‌دهند» و «لذیل» و «زمان (راز نگیین سرخ».

تکمیل‌گیری‌های سخت و لحظات انسانی شهید آقابایی را برای نوجوانان و مخاطبان جوان قابل فهم و جذاب کند. این سبک باعث می‌شود خواننده با فرماندهی شجاع، اما انسانی فروتن روبه‌رو شود؛ کسی که در سخت‌ترین شرایط هم شجاعتش را از دست نمی‌دهد و هم دغدغه انسان‌ها و اطرافیان خود را دارد. کتاب «والعصر بخوان» مکمل دیگر جلدهای مجموعه «قصه فرماندهان» است و نشان می‌دهد که قهرمانان دفاع مقدس، تنها فرماندهان نظامی نبودند، بلکه انسان‌هایی واقعی با زندگی روزمره و دغدغه‌های شخصی بودند که با ایثار خود مسیر تاریخ را شکل دادند.

مطالعه و بازخوانی زندگی فرماندهان و شهدای دفاع مقدس، بیش از آنکه صرفاً مرور تاریخ باشد، فرصتی برای درک عمیق مفاهیم ایثار، شجاعت و مسئولیت‌پذیری است. این آثار نشان می‌دهند که دفاع از سرزمین، امنیت و هویت ملی تنها محدود به میدان جنگ نیست؛ بلکه هر لحظه از زندگی فرماندهان و رزمندگان، از تصمیم‌گیری‌های دشوار در عملیات‌ها تا مراقبت‌های روزمره و تعامل با خانواده و هم‌زمان، نمود عینی از تعهد و وفاداری به جامعه و کشور است.

روایت زندگی شهیدانی مانند حسن ثرک، مهدی طیار، حسن آبتشان‌ها و اکبر آقابایی نشان می‌دهد که قهرمانی و شجاعت واقعی، تنها در عملیات‌های نظامی و نبرد با دشمن متجلی نمی‌شود، بلکه در پایداری در برابر مشکلات، صداقت، ایثار، عشق به میهن و مراقبت از هم‌زمان و خانواده نیز نمایان است. این فرماندهان، نمونه‌هایی بی‌بدیل از هماهنگی میان تدبیر، شجاعت و اخلاق انسانی بودند؛ مردانی که هم در میدان جنگ و هم در زندگی روزمره، الگویی ارزشمند برای نسل‌های بعدی به جای گذاشتند. علاوه بر این، روایت‌های داستانی دفاع مقدس به حفظ حافظه تاریخی و فرهنگی جامعه کمک می‌کنند و امکان می‌دهند که نسل امروز، با فاصله زمانی و مکانی از دوران جنگ، با وقایع و شخصیت‌های تاریخ خود پیوند برقرار کند. این پیوند نه تنها یادآور فداکاری‌ها و ایثارهای گذشته است، بلکه نسل‌های جوان را با الگوهای عملی و اخلاقی فرماندهان شهید آشنا می‌کند و مسیر شکل‌گیری هویت ملی و جمعی آنان را هموار می‌سازد.

مجموعه‌هایی مانند «قصه فرماندهان» بیش از یک روایت تاریخی صرف هستند؛ آنها پروژه‌هایی تربیتی و فرهنگی‌اند که تلاش می‌کنند ارزش‌های بنیادین دفاع، شجاعت، مسئولیت‌پذیری و وفاداری به کشور را در قالب داستان‌هایی ملموس، انسانی و الهام‌بخش به مخاطب منتقل کنند. این آثار یادآوری می‌کنند که حفاظت از سرزمین، مردم و ارزش‌های ملی، سرمایه‌ای گران‌بها است که هر نسل موظف به پاسداری از آن است. به این ترتیب، بازخوانی زندگی فرماندهان دفاع مقدس نه تنها تقدیر از گذشته و گرامی‌داشت یاد شهداست، بلکه چراغ راهی است برای نسل امروز و فردا؛ نسلی که می‌تواند با الهام از رشادت‌ها و زندگی انسانی قهرمانان دیروز، برای ساختن آینده‌ای مسئولانه، اخلاقی و مدار و الهام‌بخش گام بردارد و ارزش‌های که از دفاع از سرزمین مادری تجسم آن‌هاست، پاس بدارد.

نگاه به ارث مانده



بود. از نظر نظامی، آبتشان‌ها اعتقاد رایج به جنگ‌های چریکی و نامنظم داشت و همین تفکر باعث شد در دوران فرماندهی صیاد شیرازی، مسئولیت‌های کلیدی همچون فرماندهی تیپ نود و لشکر ۲۳ تکاور را برعهده گیرد. حسن آبتشان‌ها اولین نظامی بود که در جبهه‌ها از موتورسیکلت تیرزو برای حمله و عملیات‌های ویژه استفاده کرد. او یک تشکیلات گروهی که بعدها به «گروه ویژه اسب آهنی» شهرت یافت، نیروهایش را با سرعت و تحرکی متفاوت به قلب مواضع دشمن می‌فرستاد. این ابتکار، نشان از نگاه خلاقانه و نامتقارن او به جنگ داشت؛ نگاهی که بعدها به پایه‌ای برای عملیات‌های چریکی و نامنظم در ارتش تبدیل شد. سرانجام در ۸ مهرماه ۱۳۶۴، همزمان با عملیات قادر که اولین عملیات مستقل ارتش بعد از عملیات بدر بود، در منطقه سرسول، تیر مستقیم دشمن سرلشکر آبتشان‌ها به شهادت رسید. شاهدش چهار روز پس از عاشورا رقم خورد؛ گویی خون او ادامه‌ای پرست عاشورایی جبهه‌ها بود. رادیو عراق خبر شهادتش را با مارش پیروزی، پخش کرد، اما در جبهه ایران، این خبر تنها عزم رزمندگان را استوارتر کرد. در عملیات قادر، ارتفاعات حصاروست، برزین‌روست، کارگزین، لولان، کردشوان و باشکین تا عمق ۳۵ کیلومتری خاک عراق تصرف شد و مناطق وسیعی از شهرهای سیدکان و دیانا و بیش از ده روستا و شهرک زیر دید و تیر رزمندگان ایران قرار گرفت، اما مواضع تصرفی تثبیت نشد.

شهید آبتشان‌ها چیزی از مال دنیا برای خانواده‌اش باقی نگذاشت جز چهار هزار جلد کتاب و انبوهی یادداشت‌های عرفانی. عاشورایی به پسرش افسین نوشت: او در وصیتی به پسرش افسین نوشت: «پسر، من برای تو پول، ملک و فرش به ارث نگذاشته‌ام. من در زندگی به دنبال بهتر کردن منزل، وسایل زندگی یا پس‌انداز پول‌هایم در بانک نبوده‌ام. من در زندگی به دنبال ساختن شخصیت خودم بودم. به دنبال ساختن شخصیت خودم بودم. به دنبال شکل گرفتن نگاه و دیدگاهم به دنیا و مسائل جاری در آن، امیدوارم آنچه در من نسبت به دین، اعتقادات و حس بندگی و تسلیم در مقابل پروردگار محقق شده، برای شما هم توشه‌ای باشد و چراغ راهی!» این وصیت که در کتاب آمده است، نشان می‌دهد که شهید آبتشان‌ها برای ارث مادری، ارث معنوی برای فرزندش گذاشت. او می‌خواست نگاه و اندیشه‌اش را منتقل کند، نه خانه و ثروت. این انتخاب، بازتابی است از روحیه نسلی که دفاع مقدس را رقم زد.



او نگاهش را به ارث گذاشت
بر اساس زندگی سرلشکر شهید حسن آبتشان‌ها

● نویسنده: گلستان جعفریان
● انتشارات: سوره مهر
● تعداد صفحه: ۱۴۰ صفحه
● قیمت: ۶۵,۰۰۰ تومان

جعفریان که به‌عنوان بیست‌وهشتمین جلد از مجموعه «قصه فرماندهان» برای کودکان و نوجوانان منتشرشده، تلاش دارد همین سیمای متفاوت را به نسل تازه معرفی کند؛ نسلی که شاید دیگر جنگ و روزهایی سخت دفاع مقدس را به چشم ندیده باشد، اما نیازمند شناخت قهرمانانی است که نگاه و اندیشه‌شان هنوز چراغ راه امروز است.

نامه به صدام

در روزگاری که صدام حسین با موشک‌باران شهرهای بی‌دفاع، مردم را به خاک و خون می‌کشید، حسن آبتشان‌ها نامه‌ای خطاب به او نوشت. لحنی جالب‌برانگیز داشت: «اگر جناب صدام حسین، امیر جنگی است و فنون نظامی را خوب می‌داند و نظریه‌پرداز جنگی است، پس به راحتی می‌تواند در دشت عباس با من و دوستانم جنگ‌ورم دیدار کند و با هر شیوه‌ای که می‌پسندد، بچنگد، نه اینکه با بمب افکن‌های اهدایی شوروی حمله‌های مسکونی و بی‌دفاع را بمباران کند و مردم را به خاک و خون بکشد». پاسخ صدام، اعزام سرلشکر عبدالحمید، فرمانده مشهور بعثی بود؛ همان کسی که سال‌ها پیش در اسکاکنلد، در مسابقات کوهنوردی ارتش‌های جهان، از حسن شکست خورده بود. این بار در میدان جنگ نیز سرنوشته همان را تکرار کرد: لشکر عراقی شکست خورد و عبدالحمید اسیر شد.

فرماندهی در غرب

سال ۱۳۶۲، آبتشان‌ها به فرماندهی قراگاه حمزه سیدالشهدا در غرب کشور منصوب شد. در کنار محمد بروجرودی، ناصر کاظمی و کاوه، نقش مهمی در سازماندهی نیروهای مشترک ارتش و سپاه ایفا کرد. عملیات‌های سرکوب ضدانقلاب در کردستان و بعدها آموزش نیروهای تکاور در دانشکده فرماندهی ارتش، بخش دیگری از فعالیت‌های او

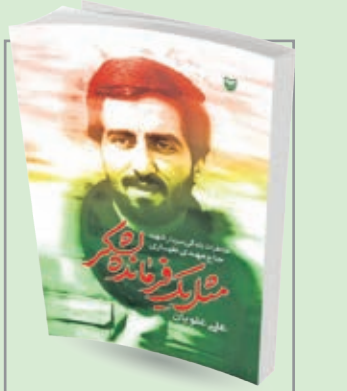


شهید مهدی طیار و شهید حاج قاسم سلیمانی

بازآفرینی کرده است. این کتاب در ۱۲ فصل و دو بخش پایانی با عنوان‌های «حرف آخر» و «عکس‌ها» تنظیم شده است. نویسنده در نگارش کتاب از خاطرات هم‌زمان، دوستان و نزدیکان شهید بهره گرفته و تصویری چندبعدی از او ارائه داده است؛ تصویری که هم رشادت‌های او را نشان می‌دهد و هم مهربانی‌ها، دغدغه‌های انسانی و سادگی‌های روزمره‌اش را.

سخن حاج قاسم

نام کتاب «مثل یک فرمانده لشکر» برگرفته از سخن تاریخی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. او درباره طیار می‌گفته بود: «طیار می‌تواند در دشت ما، بلکه از



مثل یک فرمانده لشکر
خاطرات زندگی سردار شهید حاج مهدی طیار

● نویسنده: علی علویان
● انتشارات: سوره مهر
● تعداد صفحه: ۲۲۰ صفحه
● قیمت: ۲۵۵,۰۰۰ تومان